

تأثیر واقدی بر تفاسیر قرآن کریم مطالعه موردی آیات مرتبط با غزوه احد

طیبه خزاعی^۱، حسن نقی زاده^۲

سهیلا پیروزفر^۳، صاحب‌علی اکبری^۴

دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۷، پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۸، صفحه ۲۳۹ تا ۲۵۲ (مقاله پژوهشی)

چکیده

واقدی مورخ سده ۲ق در *المغازی* خود در پایان بررسی هر غزوه با استناد به آیات قرآن و بیان شأن نزول آن‌ها، ذکر مصداق، جزئیات قصص و شرح واژگان مانند یک مفسر به تبیین مفهوم آیه پرداخته است. مراجعه مکرر مفسران به کتاب او در دوره‌های مختلف تاریخی نشان می‌دهد کتاب مزبور علاوه بر آن که مأخذی مهم در تاریخ اسلام بوده، منبعی متقن برای مفسران نیز به‌شمار آمده است. با این مطالعه درصدد ایم گونه‌های تبیین این مورخ از آیات و موضع مفسران را در برابر این تبیین‌ها در مرور آیات نازل‌شده درباره جنگ اُحد بازشناسیم. بر اساس یافته‌های این مطالعه، گزارش‌های واقدی در تبیین ۱۷ آیه از ۲۲ آیه مرتبط با غزوه احد در سوره آل عمران، خاصه در ترسیم جزئیات تاریخی با اعتماد بر آیات و روایات مورد پذیرش مفسران واقع شده است. رادایبی گزارش‌های او در تفاسیر هم ارتباط با گرایش تفسیری مفسران، ویژگی‌های هر عصر و نوع مخاطبان دارد.

کلید واژه‌ها: تفسیر قرآن، *المغازی* واقدی، غزوه احد، سوره آل عمران.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث پردیس بین‌الملل، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

t.khazaei1341@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (مسئول مکاتبات).

naghizadeh@um.ac.ir

spirozfar@um.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

akbari-s@um.ac.ir

۴. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

درآمد

یکی از مورخان سده ۲ق محمد بن عمر واقدی مؤلف کتاب *المغازی* است. ابوعبدالله محمد بن عمر واقدی در سال ۱۳۰ق در اواخر خلافت مروان بن محمد آخرین خلیفه اموی (حک: ۱۲۷-۱۳۲ق) در مدینه متولد شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۵/ ۴۹۳). مأمون خلیفه عباسی او را به سبب احاطه اش به فقه، احکام، سیره و حدیث، به قضاء شهر عسکر مهدی منصوب کرد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۴/ ۳). بیش تر کوشش واقدی، مصروف تدوین و گردآوری روایات می شد. شوق وافر او نسبت به تبویب حدیث به حدی بود که او را در حدیث امیرالمؤمنین لقب داده اند (نک: ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۵/ ۴۹۲-۴۹۵).

ابن ندیم نام ۲۸ اثر او را در کتاب *الفهرست* نوشته، و در خلال ذکر آثار واقدی از کتاب *التاریخ و المغازی و المبعث* نیز یاد کرده است (ابن ندیم، ۱۳۵۵ش، ۱۱۱). کتاب *المغازی* که اکنون از وی بازمانده است قسمتی از اثر یادشده محسوب می شود. واقدی در این اثر تمام نبردهای صدر اسلام را با جزئیات کامل و تسلسل زمانی شرح می دهد و در بحث از هر غزوه بخشی را هم با عنوان «ذکر ما نزل من القرآن فی غزوه» به آیاتی اختصاص می دهد که درباره آن غزوه نازل شده، و این گونه درگیر تفسیر قرآن شده است. افزون بر این، در ضمن شرح رویدادهای تاریخی صدر اسلام نیز گاه به آیاتی از قرآن استناد می کند یا تفسیری از آنها به دست می دهد.

طرح مسئله

بسیاری از مفسران به گزارش های واقدی در بیان شأن نزول آیات و دیگر توضیحات وی توجه نشان داده اند. در ۵۷ تفسیر از مشهورترین تفاسیر شیعه ۲۸۵ مورد از روایات واقدی را می توان دید که ۸۶ مورد از آنها برگرفته از *مغازی* است و پس از حذف مکررات، به ۵۱ مورد می رسد. در شمار مشابهی از تفاسیر اهل سنت نیز، ۴۷۵ گزارش از واقدی ذکر شده است که ۱۰۰ عبارت از *مغازی* را دربر می گیرد. شمار این موارد با حذف مکررات به ۶۲ مورد می رسد.

افزون بر این نقل قول گسترده، برخی آراء و اندیشه های او را غالب مفسران مورد استناد قرار داده، و در شرح رویدادهای تاریخی صدر اسلام، بیان شأن نزول، مراد و مصداق آیه یا معنای واژگان، آراء او را آورده، و هم سو با دیدگاه او سخن گفته اند. مثلاً، در تبیین واژه «بدر» در آیه ۲۳ سوره آل عمران می توان چنین استناداتی را در تبیان شیخ طوسی (۱۳۸۳ق، ۲/ ۵۷۷)، *الجامع*

لاحکام القرآن قرطبی (۱۳۶۴ش، ۴/ ۱۹۰)، زاد المسیر ابن جوزی (۱۴۲۲ق، ۱/ ۳۲۱)، غرائب القرآن نظام‌الدین نیشابوری (۱۴۱۶ق، ۲/ ۲۴۹)، و روح المعانی آلوسی (۱۴۱۵ق، ۲/ ۲۵۸) مشاهده کرد. برخی از مفسران نیز فراتر از این رویدادهای تاریخی را صرفاً برپایه گزارش‌های وی نقل نموده‌اند. مثلاً، زمخشری (۱۴۰۷ق، ۱/ ۴۱۳) و ابن جوزی (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۱/ ۳۲۴) در تفسیر آیه ۱۲۸ سوره آل عمران، شأن نزول آیه و حکایت مثله شدن حمزه چنین کرده‌اند.

از آن سو، در مرور تفاسیر نزدیک به عصر واقدی درمی‌یابیم که آثاری چون تفسیر قمی، تفسیر عیاشی، یا تفسیر ابن ابی‌حاتم هیچ گفتاری از واقدی نقل نکرده‌اند. شاید این شیوه نتیجه سبک و گرایش تفسیری این دسته از مفسران باشد. هم‌چنین، شاید بتوان محتمل دانست سبب امر بی‌اعتمادی ایشان به اقوال تفسیری او باشد. بررسی این مسئله خاصه از آن رو مهم است که برخی عالمان حدیث با کاربرد تعبیری همچون «متروک الحدیث» یا «ساقط الحدیث» برای اشاره به وی او را در جایگاه راوی حدیث نبوی ضعیف ارزیابی کرده‌اند (بغوی، ۱۴۲۰ق، ۳/ ۱۵۸).

مسئله این است که میزان تأثیر آراء واقدی بر مفسران، چه اندازه است و منقولات او تا چه حد مورد توجه مفسران بوده‌اند. از آنجا که پیگیری این مسئله در تمامی آیات قرآن و مجموعه روایات المغازی میسر نیست، در این مطالعه با بررسی محورهای تبیین واقدی در آیات غزوة احد - قسمتی از آیات سوره آل عمران - برای شناخت تعامل مفسران در سده‌های متقدم و میانه با مرویات واقدی خواهیم کوشید تا به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: اولاً، گزارش‌های واقدی در ذیل آیات غزوة احد به چه شیوه‌هایی بیان شده، و میزان هم‌سویی مفسران با این گزارش‌ها بیش‌تر در چه محورهایی است؛ ثانیاً، موضع‌گیری مفسران قرآن کریم تا سده ۱۰ق نسبت به گزارش‌های واقدی چه‌گونه است؛ ثالثاً، میزان توجه مفسران به شیوه واقدی برای تفسیر آیات چه اندازه بوده است؟

سبب انتخاب آیات مرتبط با غزوة احد آن است که این آیات از جمله مواردی است که هم بحث‌ها درباره آن در تفاسیر گسترده‌تر است، هم روایات مرتبط با آن در مغازی واقدی شمار بیش‌تری دارند. سبب محدود کردن دایره جستجو به ده سده نخست هجری نیز آن است که به زمان مفسر نزدیک‌تر است و اوج نقل این مرویات در تفاسیر دو سده ۶ و ۱۰ بوده.

تا کنون مطالعاتی چند درباره روش تاریخ‌نگاری واقدی صورت گرفته است. برای نمونه، طارق ابوالوفا محمد در کتاب الواقیدی و منهجه فی کتاب المغازی (قاهره، زهراء الشرق، ۱۴۱۹ق/ ۱۹۹۸م) به این بحث پرداخته است. آثاری با عناوین مشابه را نیز عبدالعزیز سلومی (مدینه، الجامعة الاسلامیة، ۱۴۲۵ق/ ۲۰۰۴م) و یاسر خضیر حدّاد (بیروت، المكتبة العصریة،

۱۴۳۰ق) پدید آورده‌اند. از همین قبیل است آثاری هم چون «اعتبار علمی واقدی و مغازی او» نوشته محمدحسین واثقی‌راد (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال چهل و نهم، شماره ۲-۳)، «واقدی و کتاب المغازی» نوشته علی سالارشادی (کتاب ماه تاریخ، آذر ۱۳۷۸ش)، «مضامین و شیوه‌های روایی در کتاب مغازی واقدی» از دونالد پی لیتل که فریبا پات آن را به فارسی ترجمه کرده است (عقل و الهام در اسلام، تهران، حکمت، ۱۳۸۷ش)، و «بررسی دانش مغازی‌نگاری با تأکید بر مغازی واقدی» از مهدی یعقوبی و حامد منتظری (معرفت، فروردین ۱۳۹۳ش).

۱. مصداق‌یابی‌های واقدی

غالب گزارش‌های واقدی ناظر به تبیین مفاهیم ظاهری آیات غزوات اند و مخاطب را با دادن آگاهی‌هایی درباره‌ی واژگان، اسباب و فضای نزول، ارائه‌ی مصداق و... در شناخت مصداق آیات یاری می‌رسانند. او در بسیاری از موارد با استفاده از اطلاعات قرآنی و تاریخی‌اش چنان به‌طور صریح مصادیق را بیان می‌کند که گمان می‌رود مفاد آیه را منحصر به همان مصداق می‌داند. گاه نیز شیوه‌های دیگری در پیش می‌گیرد.

الف) مصداق‌یابی مستند، بدون ذکر منبع

نمونه‌های متعددی در المغازی می‌توان دید که مصداق آیه‌ای مطابق با آنچه در دیگر منابع از بزرگان دین نقل می‌شود گزارش شده است؛ اما واقدی هیچ به منبع خویش استناد نمی‌کند. ارائه‌ی مصداق بارز نوعی تنگ کردن دایره‌ی معنایی یا موضوعی را در پی دارد؛ بدین معنی که عبارت قرآن به حسب ظاهر فراگیر، و از دایره‌ی وسیع معنایی برخوردار است؛ اما تبیین روایی آن موجب می‌شود ذهن مخاطب به سمت برخی از مصادیق خاص متوجه شود (نک: فاکر میبیدی، ۱۳۹۳ش، ۳۲۲). بیش‌تر موارد تعیین مصداق در مغازی واقدی از این قبیل است. او در این موارد با آوردن نام فرد یا گروهی می‌کوشد با اظهارنظری قطعی و جزم‌گرایانه مقصود آیه را باز نماید.

برای نمونه، در ضمن بحث از غزوه‌ی احد، وقتی بحث به آیه «إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ...» (آل عمران/ ۱۲۲) می‌کشد (نک: واقدی، ۱۴۰۵ق، ۱/ ۳۱۹)، بیان می‌دارد که منظور از «طائفتان»، بنوسلمه و بنوحارثه اند. این البته امری است که دیگر مفسران مسلمان هم بر آن اتفاق کرده، و در آن تردید ننموده‌اند (برای نمونه، نک: طبری، ۱۴۱۲ق، ۴/ ۴۶؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۳ق، ۲/ ۵۷۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۲/ ۸۲۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۴۰۹).

از مقایسه مصادیق مذکور برای آیات دیگری چون ۱۶۴، ۱۶۷، و ۱۶۸ سوره آل عمران با

آنچه در تفاسیر مختلف آمده است می‌توان نتیجه گرفت که یادکرد جزم‌گرایانه این گونه مصادیق، متکی بر روایاتی است که واقدی در اختیار داشته است. برای نمونه، در بحث از آیه پیش‌گفته تفاسیر شیعی از مصداق دو طایفه را به نقل از امام باقر و امام صادق (ع) همان‌ها روایت کرده‌اند که در بیان واقدی آمده است (نک: طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۲/ ۸۴۴).

ب) مصداق‌یابی با ذکر مأخذ

گاه نیز واقدی گزینش مصداق بارز را با تکیه بر آراء استادان و شیوخ خود به انجام می‌رساند. برای نمونه، در آیه «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ...» (آل عمران/ ۱۳۳) با توجه به اقوال مختلفی که در توضیح مفهوم «مغفرت» ذکر شده، قول انس بن مالک را برگزیده و مغفرت را «تکبیر نخست همراه امام» معنا کرده است. او مصداق را با تعبیر «قال» بیان می‌کند و این‌گونه، مسئولیت را متوجه صاحب آن دیدگاه می‌سازد؛ بدون این‌که به مصادیق دیگری که در احادیث نقل شده است اشاره کند. این در حالی است که در بعضی از تفاسیر مانند *زاد المسیر* (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۱/ ۳۵۲) اقوال مختلفی در این‌باره ذکر کرده‌اند.

واقدی گاه نیز که تعبیر قرآنی تاب معنای گسترده‌ای دارد، در لفافه و بدون ذکر مصادیق برتر، با منطبق کردن بر گروهی عام و مبهم به شرح می‌پردازد؛ امری که چه‌بسا از روحیه محافظه‌کاری او نشأت می‌گیرد. برای نمونه، در تبیین آیه «فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ ديارِهِمْ...» (آل عمران/ ۱۹۰) نوشته که مراد، مهاجرانی است که از مکه رانده شدند (واقدی، ۱۴۰۵ق، ۱/ ۳۲۹). این بسیار شبیه رویکرد عموم مفسران متقدم اهل سنت است (نک: طبری، ۱۴۱۲ق، ۴/ ۱۴۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ۳/ ۸۴۴). از آن‌سو، برخی مفسران شیعه تصریح کرده‌اند که آیه درباره‌ی علی (ع) نازل شده است و به زمانی اشاره دارد که او با فواطم هجرت کرد (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۴/ ۹۱). قمی نیز مصداق آیه را علی (ع)، سلمان و ابوذر می‌داند (قمی، ۱۳۶۳ش، ۱/ ۱۲۹).

به همین ترتیب، واقدی «بِبَعْضٍ مِمَّا كَسَبُوا...» (آل عمران/ ۱۵۵)، را «ببعض ذنوبهم» معنا کرده است (واقدی، ۱۴۰۵ق، ۱/ ۳۲۴)؛ حال آن‌که شماری از تفاسیر شیعه و اهل سنت چون *التبیان* (شیخ طوسی، ۱۳۸۳ق، ۳/ ۳۵)، *مفاتیح الغیب* (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲/ ۳۹۸)، و *البحر المحیط* (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ۳/ ۳۹۸) آن را به رها کردن مکان‌های استراتژیک و حساس میدان نبرد معنا نموده‌اند. به نظر می‌رسد واقدی از این گفتارهای غیرصریح، غرض ویژه‌ای داشته یا متأثر از احساسات مذهبی خویش نمی‌خواسته است آشکارا به این اشاره کند که عثمان (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۴/ ۳۹۹) و به قولی عمر (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۱/ ۳۳۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۲/ ۸۹) این

مکان‌ها را ترک کرده‌اند. بعضی از تفاسیر نیز با پذیرش گفتار واقدی دامنه «ذنوب کسب‌شده»، را محدود کرده، این تعبیر را ناظر به گناهان سابق دانسته‌اند (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق، ۲/ ۱۲۸؛ ابوحنیفان، ۴۲۰ق، ۳/ ۳۹۸)، و در نتیجه، لغزش برخی صحابه را که نافرمانی امر پیامبر (ص) کرده بودند، کوچک جلوه داده‌اند (قس: قمی، ۱۳۶۳ش، ۱/ ۱۲۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۴/ ۹۵).

واقدی در بیان مصادیق آیات به روش یکسان عمل نکرده است؛ بلکه گاهی برای برخی عبارات، چندین مصداق را نام می‌برد و مصداق مورد پذیرش را با لفظ «قال» و مصادیق دیگر را با لفظ «یقال» یاد می‌کند و این‌گونه، با یادکرد چندین مصداق از اعتماد خود بر یکی خبر می‌دهد. برای نمونه، در اشاره به تعبیر «فَأَتَابَكُمُ غَمًّا بَعْمٌ» در آیه ۱۵۳ سوره آل عمران غم اول را جرات و غم دیگر را اندوه ناشی از انتشار خبر قتل پیامبر (ص) بیان می‌کند (واقدی، ۱۴۰۵ق، ۱/ ۳۲۳). این گفتار واقدی همان است که از قول قتاده و ربیع روایت شده (نک: طبری، ۱۴۱۲ق، ۴/ ۸۹؛ ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق، ۳/ ۷۹۰).

می‌توان گفت واقدی در شرح آیات از مصادیق طبیعی سخن به میان آورده است. منظور از مصداق طبیعی یا مصداق معمولی آن است که در بیان مصادیق متعدد که تحت یک مفهوم قرار دارند به یکی از مصادیق اشاره شود که با مصادیق دیگر تفاوت چندانی ندارد (فاکرمبیدی، ۱۳۹۳ش، ۳۲).

پ) مصداق‌یابی اجتهادی

واقدی در بخش اعظم گزارش‌های خویش با استمداد از اطلاعات تاریخی به ذکر معنای مطابقی و ظاهری آیه بسنده، و بر استنباط دقیق آیات قرآن و نقل روایات کم‌تر تکیه می‌کند. از رهگذر مقایسه تبیین‌های واقدی با اقوال مفسران می‌توان به این دست یافت که ظرافت‌ها و دقت‌هایی که او گاه در انتخاب و به‌کارگیری واژه‌ها و تعبیرات خود اعمال می‌کند با آرا و اندیشه‌های مفسران بیگانه نیست و چه‌بسا خواننده را در فهم معانی و مقاصد آیات یاری می‌رساند.

نمونه‌ای از درنگ و دقت او در کاربرد واژه‌ها را در شرح آیه «أَوَّلَمَّا أَصَابَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا» (آل عمران/ ۱۶۵) بازدید؛ آن‌جا که تصریح کرده منظور از این، مصیبت‌هایی است که در جنگ احد بر مسلمانان فرود آمد و افزون بر مجروحان بسیار، ۷۰ نفر از مسلمانان کشته شدند (واقدی ۱۴۰۴ق، ۱/ ۳۲۵). توضیحات واقدی در تبیین کلماتی مانند لَمَّا، مصیبة و مثلیها چنان است که غالب مفسران فهمی همسو و متفق‌القول با واقدی باز نموده‌اند (برای نمونه، نک: طبری، ۱۴۱۲ق، ۴/ ۱۰۸؛ ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق، ۳/ ۸۱۰؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۳ق، ۳/ ۴۰؛

طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ۴/ ۵۹).

نمونه دیگر از این قبیل، سخن واقدی در شرح آیه ۱۸۸ سوره آل عمران است (واقدی، ۱۴۰۵ ق، ۱/ ۳۲۸). او در تبیین شأن نزول و مقصود آیه همان دیدگاهی را ذکر می‌کند که عمده مفسران از عامه مسلمانان هم از قول ابوسعید خدری در تفسیر آیه نقل کرده‌اند (نک: ابن جوزی، ۱۴۲۲ ق، ۱/ ۳۵۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۳/ ۴۶۴). برپایه این روایت، آیه درباره گروهی از منافقان نازل شد که به پیامبر (ص) گفتند وقت نبرد با او به میدان می‌آیند؛ اما آن‌گاه که پیامبر (ص) به نبرد پرداخت، با پیامبر (ص) هم‌کاری نکردند (واقدی، ۱۴۰۵ ق، ۱/ ۳۲۸). در تفاسیر شیعه قول اقوی دیدگاه مقاتل بن سلیمان دانسته می‌شود. او می‌گوید آیه درباره یهود نازل شده است که مقام پیامبر (ص) و نبوت او را که در تورات ذکر شده بود، کتمان می‌کردند و بدین کار خوشحال بودند (شیخ طوسی، ۱۳۸۳ ق، ۳/ ۷۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۲/ ۹۰۴). واقدی حتی متعرض این دیدگاه نشده است.

از این قبیل موارد که بگذریم، واقعیت آن است که در بیان مقصود و مفهوم آیات مفسران بسیار از اقوال واقدی بهره جسته‌اند؛ حتی گاه بدون آن که نامی از وی برند. این اقدام حاکی از استفاده ایشان از کتاب *مغازی* یا داشتن منبعی مشترک با واقدی است. برای نمونه، واقدی در شرح آیه ۱۲۱ سوره آل عمران می‌نویسد: «غدا رسول الله (ص) الی أحد فجعل یصف أصحابه للقتال کأنما یقوم بهم القداح، إن رأی صدرأ خارجاً قال تأخر» (واقدی، ۱۴۰۵ ق، ۱/ ۳۱۹). این عبارت را عیناً در تفاسیری مانند *البحر المحیط* (ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ۳/ ۳۲۷)، *روح المعانی* (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ۲/ ۲۵۸) و *مقتنیات الدرر* (حائری طهرانی، ۱۳۳۸ ش، ۲/ ۲۵۸) می‌توان بازدید.

۲. رویکرد واقدی به روایات سبب نزول

واقدی با نگاه تاریخی رابطه نزول آیاتی از قرآن کریم را با رویدادهای مرتبط به هریک بیان می‌کند.

الف) کاربردهای سبب نزول

او گاه در فهم معنی و مقصود آیه سبب نزول را به کار گرفته است. برای نمونه، در توضیح آیه «لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا...» (آل عمران/ ۱۸۸) می‌گوید: «نزلت فی ناس من المنافقین. کان رسول الله (ص) غزاً فقدم. قالوا اذا غزوت فنحن نخرج معک. فاذا غزا لم یخرجوا معه. ویقال هم الیهود» (واقدی، ۱۴۰۵ ق، ۱/ ۳۲۸). اکثر تفاسیر عامه همین را به نقل از ابوسعید خدری ذکر کرده‌اند (قس: طبری، ۱۴۱۲ ق، ۴/ ۱۳۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ۳/ ۸۳۹).

گاهی هم از سبب نزول آیه در تأیید فهم و برداشت ویژه‌ای بهره می‌گیرد. مثلاً، در ذیل آیه «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّجْتَمِعًا...» (آل عمران / ۱۴۴) می‌نویسد: «... ما كان لها ان تموت دون أجلها». وهو قول ابن أبي حنيفة رجعت بأصحابه وقتل من قتل بأحد (واقدي، ۱۴۰۵ق، ۱ / ۳۲۲). هیچ مفسری شأن نزول آیه مزبور را مطابق گفته واقدی بیان نکرده، و به گفته‌ای از عبدالله بن ابی — سردسته منافقان مدینه — ربط نداده است. اکثر مفسران آیه را تعریض مؤمنان نسبت به برادران خود می‌دانند که در احد به قتل رسیده بودند و می‌گفتند اگر آنان نزد ما می‌ماندند کشته نمی‌شدند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش ۴ / ۴۰).

گاه نیز واقدی برای شناخت فرد یا افرادی که آیه درباره آن‌ها نازل شده است متعرض اسباب نزول آیات می‌شود؛ چنان که در بیان آیات ۱۵۶، ۱۶۷، ۱۶۸، و ۱۹۹ سورة آل عمران چنین کرده است. وی در سخن از آیه «لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا...» (آل عمران / ۱۵۶) می‌نویسد: «نزلت في ابن أبي. يقول الله عز وجل للمؤمنين لا تكلموا ولا تقولوا كما قال ابن أبي» (واقدي، ۱۴۰۵ق، ۱ / ۳۲۴).

کاربرد دیگر سبب نزول برای واقدی رفع ابهام از آیه است. برای نمونه، در آیه ۱۷۳ سورة آل عمران، دو بار کلمه «الناس» استفاده شده است. واقدی ضمن بیان حادثة تاریخی به طور غیر مستقیم منظور از «الناس» اول را نُعَيم بن مسعود و دومی را ناظر به ابوسفیان و اصحابش معرفی می‌کند. این در حالی است که دیگر مفسران مصادیق مختلف و معنای عام‌تری از آیه استنباط کرده‌اند؛ چنان که برخی از قول سُدّی اولی را به منافقان (طبرسی ۱۳۷۲ ش، ۲ / ۸۸۹؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۱ / ۳۴۹) تفسیر کرده‌اند (نیز نک: طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ۴ / ۷۴).

ب) استناد به روایات ضعیف

اکثر روایات اسباب نزول که واقدی درباره ماجرای جنگ احد آورده است یا به سبب ارسال سند ضعیف اند یا به سبب موقوف بودن سند به صحابی یا تابعی؛ و از این حیث مشابه غالب دیگر روایاتی هستند که در شأن نزول آیات مختلف بیان شده است. اکثر این روایات به رغم ضعف سند، از نظر محتوا متحد بوده و مفسران این‌گونه روایات را رد نکرده‌اند. واقدی در نقل روایات مزبور از تعبیراتی همچون «نزلت»، «حدث» و «بلغنا» استفاده کرده، یا به ذکر روایت اسباب نزول بسنده نموده است؛ مانند روایاتی که ذیل آیه ۱۷۳ سورة آل عمران آورده است.

پ) تعدد سبب نزول

یکی از مباحث مهم که برخی مفسران مطرح کرده‌اند، تعدد سبب نزول است. برخی در تعدد

روایات اسباب نزول عیبی ندیده، و گفته‌اند ممکن است این گونه باشد که پس از وقوع چند حادثه آیه‌ای نازل شود و حکم مذکور در آن همه حوادث را دربر گیرد (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۲/ ۲۰۶)؛ گرچه البته اثبات چنین امری نیازمند دلیل معتبر است (معرفت، ۱۴۱۵ق، ۱/ ۲۵۳؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰ش، ۱۰/ ۲۵۶).

در سخن از رویکرد واقدی به تعدد سبب نزول باید گفت وی گاه سببی را ترجیح می‌دهد و گاه در بیان سبب نزول‌های متعدّد، برخی را با تعبیر «قال» یا «یقال» یاد می‌کند. با مرور این موارد به نظر می‌رسد اگر در سبب نزول به دلیل قانع کننده‌ای دست یافته یا روایت با ظاهر آیه هماهنگی بیشتری داشته باشد، لفظ «قال» را به کار می‌گیرد. در مواردی نیز که به حجتی دست نیابد از عبارت «یقال» استفاده می‌کند.

البته او هیچ توضیحی درباره شواهد مؤثر بر انتخاب رأی مختار خویش یا ترجیح یک روایت بر دیگری بیان نمی‌کند. برای نمونه، در بحث از آیه «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ...» (آل عمران/ ۱۲۸) سه قول را بازگو می‌نماید: «یعنی الَّذِينَ انْهَزَمُوا يَوْمَ أُحُدٍ؛ وَيُقَالُ نَزَلَتْ فِي حِمْرَةَ حِينَ رَأَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَا بِهِ مِنَ الْمَثَلِ... وَيُقَالُ نَزَلَ فِي رَسُولِ اللَّهِ (ص) حِينَ رَمَى يَوْمَ أُحُدٍ فَجَعَلَ يَقُولُ: كَيْفَ يُفْلِحُ قَوْمٌ فَعَلُوا هَذَا بِنَبِيِّهِمْ» (واقدی، ۱۴۰۵ق، ۱/ ۳۲۱). اکثر تفاسیر شیعه و عامه نظر اول را ذکر کرده‌اند؛ اما قول دوم او را تنها برخی مفسران، و آن هم با وصف «ضعیف» یاد کرده‌اند (نک: ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۱/ ۲۳۴). نظیر این مورد را در ذیل آیه ۱۴۳ آل عمران نیز می‌توان دید (واقدی، همان، ۱/ ۳۲۱).

۳. رویکرد مفسران به روایات واقدی

از میان ۶۳ آیه‌ای که در سوره آل عمران مورد توجه واقدی قرار گرفته است روایات وی در توضیح ۵۲ آیه را می‌توان در ۲۲ تفسیر از تفاسیر سده ۳-۱۰ق یافت. پس از حذف موارد تکراری تنها ۲۰ مورد از روایات وی را بازمی‌بینیم که مورد استفاده مفسران بوده‌اند. این حجم در مقایسه با حجم روایات موجود در این تفاسیر اندک است. با این حال، نباید پنداشت که تنها موارد کاربرد روایات و اقوال واقدی در تفاسیر همین‌ها بوده‌اند. تعامل مفسران با روایات و اقوال واقدی به شیوه‌های مختلفی صورت پذیرفته است.

الف) نقل بدون داوری

دسته‌ای از روایات واقدی را مفسران بدون هرگونه اظهارنظر و داوری در ذیل آیات نقل کرده‌اند. از جمله، در ذیل آیه ۱۲۳ سوره آل عمران روایتی از شعبی به دو طریق نقل شده که برپایه

آن، بدر نام چاه آبی متعلق به شخصی به نام بدر است. ابن سعد از زبان واقدی می‌گوید این قول را برای عبدالله بن جعفر و محمد بن صالح بیان کرده‌اند و ایشان آن را انکار نموده‌اند. به همین سبب واقدی «بدر» را اسم مکان می‌داند. در ۱۲ تفسیر از تفاسیر دوره مورد بحث همین گفتار را در بیان معنای بدر می‌توان با استناد به واقدی یا بدون آن بازدید (برای نمونه، نک: شیخ طوسی، ۱۳۸۳ق، ۲/ ۵۷۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۲/ ۸۲۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۵/ ۴۴). هیچ‌یک از این مفسران برپایه قول واقدی نتیجه‌ای را نپذیرفته‌اند و تنها به نقل قول از وی اکتفاء کرده‌اند.

نمونه دیگر از این قبیل را در ذیل آیه ۱۲۸ سوره آل عمران می‌توان دید. ابن جوزی پنج سبب نزول برای آن ذکر کرده که یکی از آن‌ها به نقل از واقدی بیان شده است. برپایه نقل وی، زمانی که پیامبر (ص) مثله‌شدگی حمزه را دید گفت که حتماً با کفار چنین و چنان خواهم کرد؛ سپس این آیه نازل شد (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۱/ ۳۲۴). دیگر تفاسیر به این سبب نزول اشاره داشته‌اند؛ اما از قول واقدی آن را بیان نکرده‌اند.

گاه نیز اقوالی به نقل از واقدی روایت می‌شود که در معاری نمی‌توانشان بازیافت. برای نمونه، در بحث از آیه «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ» (آل عمران / ۱۳۹) ابوحنیان اندلسی پس از بیان گفته ابن عباس در سبب نزول آیه به گفتار واقدی نیز اشاره کرده است که «تیراندازان مسلمان از کوه بالا رفتند و به سمت مشرکان تیر اندازی کردند تا ایشان را شکست دادند و این معنای گفتار خداوند بلندمرتبه است که گفت: وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ» (ابوحنیان، ۱۴۲۰ق، ۳/ ۳۵۲). البته، اکثر مفسران گفته‌اند مراد از «وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ» در این آیه علو کلمه اسلام است؛ نه بالا رفتن از کوه (برای نمونه‌ای مشابه، نک: بقاعی، ۱۴۲۷ق، ۲/ ۱۵۴).

ب) پذیرش روایت

مفسران گاه نیز روایات واقدی را بدان سبب که مضمونش به نقل از بزرگان دین هم وارد شده است مورد پذیرش قرار داده‌اند. مثلاً، در آیه ۱۷۳ سوره آل عمران که پیش‌تر نیز یاد شد و در آن واژه الناس دو بار به کار رفته است، شیخ طوسی در بیان مراد از نخستین کاربرد «الناس» در این آیه و بیان مصداق آن سه قول آورده است. او از قول واقدی نقل می‌کند که منظور نَعِیم بن مسعود اشجعی است. آن گاه به این استناد می‌کند که امام باقر و امام صادق (ع) هم چنین قولی دارند (شیخ طوسی، ۱۳۸۳ق، ۳/ ۵۲).

سایر تفاسیر، گفتار واقدی را در این باره با تأییداتی از مجاهد، مقاتل و عکرمه همراه کرده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۳/ ۲۱۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۵/ ۱۶۵). مفسرانی هم چون شیخ طوسی

(۱۳۸۳ق، ۲/ ۱۶۹) با تأکید بر صحت قول واقدی مصادیق دیگر را از دایرة آیه خارج کرده، و در عین حال افزوده‌اند که نمی‌توان مصداق آیه را به این مورد منحصر دانست؛ بلکه آیه بر عمومیت خویش باقی است و این کوشش برای تعیین مصداق تنها برای این صورت می‌گیرد که از دو بار کاربرد واژه الناس در آیه رفع ابهام شود.

در ذیل آیه ۱۸۴ سوره آل عمران نیز، برخی مفسران بنا بر گفتار واقدی مراد از «زُبیر» را سخنان پیشینیان دانسته‌اند (برای نمونه، نک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۵/ ۱۹۲). به نظر می‌رسد که قول واقدی عیناً با معانی این واژه در کتاب‌های تفسیر هم‌خوانی نداشته است؛ زیرا زُبیر را به معنای کَتَب آورده (نک: راغب، ۱۴۱۲ق، ۲۱۵؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ۱/ ۵۴۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۴/ ۳۵۵)، و زبیر را هم کتابی دانسته‌اند که مشتمل بر حکمت‌ها و مواعظ باشد (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۳/ ۲۲۴؛ جرجانی، ۱۳۷۸ش، ۲/ ۱۶۴).

نمونه دیگر، سخن بقاعی در ذیل آیه ۱۲۷ سوره آل عمران است که در مقام اعراب «لِیَقْطَع» دو رأی را بیان می‌کند و از آن میان، رأی واقدی را مقبول‌تر می‌داند (بقاعی، ۱۴۲۷ق، ۲/ ۱۵۱). قرطبی نیز در ذیل آیه ۱۲۲ سوره آل عمران به شرح حمله دشمن به پیامبر (ص) و جراحت او در غزوة احد می‌پردازد. سپس به گفتار واقدی در بیان افراد حمله‌کننده استناد می‌کند (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۴/ ۱۸۶-۱۸۷).

با مرور نمونه‌های متعدد دیگر از این قبیل می‌توان چنین نتیجه گرفت که مفسران، روایاتی از واقدی را پذیرفته‌اند که بر آیاتی از قرآن یا روایات بزرگان دین تکیه داشته، یا با سیاق آیه یا روایات مشابه و قواعد نحوی سازگار باشد. افزون بر این، به گزارش‌های تاریخی او هم استناد کرده‌اند.

پ) ردّ روایت

مفسران در تعامل با برخی روایات واقدی آن‌ها را نپذیرفته‌اند. برای نمونه، واقدی ذیل آیه ۱۲۱ سوره آل عمران آورده است که: «غدا رسول الله الی احد، فَجَعَلَ یَصِفُ اَصْحَابَهُ لِلْقِتَالِ کَاَنَّما یُقَوِّمُ بِهِمُ الْقِدَاحَ اِنْ رَأَى صَدْرًا خَارِجًا قَالَ: تَأَخَّرَ» (واقدی، ۱۴۰۵ق، ۱/ ۳۱۹). او با ترسیم فضای نزول به خروج پیامبر (ص) در صبحگاهان به سوی احد و رهبری قاطع و مصمم و هوشیارانه وی اشاره می‌کند. ۱۲ تفسیر از تفاسیر عامه عبارت «من منزل عائشة فَمَشَى عَلَی رِجْلِهِ اِلَی اَحُد» را از قول واقدی به آنچه در مغازی آمده افزوده، و اهل را در آیه یادشده به معنای همسر گرفته‌اند (برای نمونه، نک: ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۳/ ۱۳۷؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ۱/ ۵۰۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۴۰۸). مفسران شیعه این قید را نپذیرفته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۴/ ۵)؛ یا آن را هم‌چون قولی در

مسئله یاد کرده‌اند؛ چنان که ابوالفتوح رازی در شرح آیه آورده است که «گفته‌اند از خانه عائشه آمد» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۴/۳۸؛ قس: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۸/۳۴۶ که از این عبارت پاکیزگی و طهارت عایشه را نتیجه گرفته است).

نتیجه

گزارش‌های واقدی در ذیل آیات سوره آل عمران کاربردهای گوناگون داشته است. بیش‌ترین استناد مفسران به گفتار واقدی در شرح تاریخی و بیان جزئیات قصص، تبیین واژگان و بیان مصداق آیه بوده است. روایات وی دربارهٔ اسباب نزول نیز با وجود ضعف سند و موقوف بودن آن‌ها، در تفاسیر مختلف به‌کرات بازگو شده است.

از بررسی تفاسیری که حاوی گزارش‌های واقدی در بازه زمانی سده ۳-۱۰ق بودند چنین بدست می‌آید که بیش‌ترین گزارش‌های او در تفاسیر به سده ششم اختصاص دارد و تفسیرهای *التبیان*، *مجمع البیان*، *روض الجنان و روح الجنان*، *مفاتیح الغیب*، و *معالم التنزیل* بیش از دیگر تفاسیر به نقل گزارش‌های تاریخی وی عنایت داشته‌اند. از آن‌جاکه این سده دوران اوج گسترش تفاسیر واعظانه است، مفسران به نقل جزئیات داستان‌های قرآن بدون داوری توجه نشان داده‌اند. در بسیاری از موارد اختلاف نقل واقدی با دیگران در تبیین واژگان، بیان مصداق و توضیح مفهوم آیه وقتی قول واقدی با آیه یا روایتی قابل تأیید بوده است آن را پذیرفته‌اند.

منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش اسعد محمد طیب، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ۲- ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (۱۴۲۲ق)، *زاد المسیر*، به کوشش مهدی عبدالرزاق، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۳- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ق)، *الطبقات*، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۴- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش محمد حسین شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر.
- ۶- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۵۵ش)، *الفهرست*، به کوشش رضا تجدد، تهران، کتابخانه مروی.
- ۷- ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۸- ابوحنیفان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحیط*، به کوشش صدقی محمد جمیل، بیروت، دارالفکر.
- ۹- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی*، به کوشش عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۰- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، *معالم التنزیل*، به کوشش عبدالرزاق مهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۱- بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق)، *نظم الدرر*، به کوشش مهدی عبدالرزاق غائب، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۲- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان*، به کوشش ابومحمد بن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۳- جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۷۸ق)، *جلاء الادهان*، تهران، دانشگاه تهران.

- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، *تسنیم*، به کوشش عبدالکریم عابدینی، قم، اسراء.
- ۱۵- جونز، مارسدن (۱۴۰۴ق)، *مقدمه بر المغازی* واقدی (نک: همین منبع).
- ۱۶- حائری تهرانی، علی (۱۳۳۸ق)، *مقتنیات الدرر*، تهران، اسلامیه.
- ۱۷- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۱۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، به کوشش صفوان عدنان داوودی، دمشق، الدار الشامیه.
- ۱۹- زمخشری، محمد بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف*، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۲۰- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور*، قم، کتابخانه مرعشی.
- ۲۱- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۳ق)، *التبیین*، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، نجف، دار احیاء التراث.
- ۲۲- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان*، بیروت، اعلمی.
- ۲۳- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ق)، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو.
- ۲۴- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفه.
- ۲۵- فاکر میبدی، محمد (۱۳۹۳ش)، *مبانی تفسیر روایی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۶- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۷- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- ۲۸- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، *التفسیر*، به کوشش طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتب.
- ۲۹- معرفت، محمدهادی (۱۴۲۶ق)، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ۳۰- نظام‌الدین نیشابوری، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۳۱- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۵ق)، *المغازی*، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، عالم‌الکتب.